



نشانِ کمونیسم راستین، قطع رابطه با
اپورتونیسم است! (لنین)

د و اعلامیه از

کمونیستهای بیکارگسر، رفقا :

شراب حق شناس و پوران بازارگان

۱- "علیرغم سرکوب فاشیستی،



علیرغم خیانت تنی چند از عمال بورژوازی،

بیکار سرخ و خونین طبقه کارگر ادامه دارد. ۰۰۰ تا پیروزی"

۲- "پیام بنه خانوادہ های شهدا و همرزمانسم"



توضیحات :

۱- این دو اعلامیه ، مدت‌ها پیش بدست ما رسید ، بود که بحثهای داخلی - در مورد بحران و راه حل خروج از آن ، مانع از انتشار بیرونی آنها میگردد . و اینک ، اقدام به تکثیر و پخش آنها مینمائیم .

۲- اتحادیه سوئد بر این اعتقاد است که در موقعیت کنونی ، نرسیدن به جمع بندی تشکیلاتی ، در مورد برخی مواضع ایدئولوژیک - سیاسی از جمله : سرمایه داری دولتی خواندن رژیم جمهوری اسلامی و . . . ، سدّی در مقابل حرکت سیاسی - تبلیغی مسلمانان برای افشای چهره جنایتکارانه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی و رویزونیسم ، و افشای چهره خیانتکارانسی نظیر " حسین روحانی " ها ، و اپورتونیستها انحلال طلب راست و " چپ " نخواهد گردید .

اتحادیه دانشجویان ایرانی در سوئد
عضو اتحادیه جهانی هواداران
" سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر "
نیمه اول اکتبر ۸۲

علیرغم سرکوب فاشیستی،

علیرغم خنانت‌تی چنداز عمال بورژوازی

بیکار سرخ و خونین طبقه کارگر ادامه دارد ... تاپیروزی

دفا! نیروهای کمونیست! نیروهای انقلابی و دمکرات!

رژیم سرمایه داری دولتی جمهوری اسلامی، با اعمال فاشیستی ترین سرکوبها، کمر به نابودی انقلاب بسته است. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان که ستون های اصلی انقلاب را تشکیل میدهند، امروز تحت شدیدترین فشارها قرار دارند. فشارهای گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، زندگی را برای توده های زحمتکش و اقتدار آگاه خلق به جهنمی غیر قابل تحمل تبدیل کرده است. آنچه رژیم را بر سر پا نگه داشته، دیگر نه توهم نسبت به خمینی، بلکه سرکوب و خفقان بی سابقه و حمام های خون است. این سرکوب در درجه اول متوجه نیروهای آگاه و در جهت نابود کردن شرایط ذهنی انقلاب و قیام مجدد توده هاست. رژیم با شتم طبقاتی خود و با شناخت و تجربه ای که از توده ها دارد درک میکند که توده ها چنین رژیمی را تحمل نخواهند کسبند. آنها مبارزه خواهند نمود و مقدماتی که قیام دیگر در جهت به پیروزی رساندن انقلاب ناممکن اخیرا را فراهم میسازد خواهند کرد. رژیم برای آنکه جنبش انقلابی از عناصر آگاه و از رهبری کمونیستی و انقلابی محروم باشد، تلاش میکند تا شرایط ذهنی انقلاب و مشخصا سازمان های کمونیستی و انقلابی را نابود کند. طبقه حاکم بر اساس ماهیت ارتجاعی خود، بر اساس تضاد آشتی ناپذیر خویش با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، بر اساس وحشتی که از پیروی کمونیسم و انقلاب دارد، بی سابقه ترین جنایتها را علیه کارگران و زحمتکشان و علیه نیروهای کمونیست و انقلابی بکار میرد و با مبتذل ترین توچیفات قرون وسطایی و تبلیغات گویلیزی تم سابقه، مدکوندن آن جنایات را برای توده های نا آگاه موجه جلوه دهد.

اما روند دیالکتیکی مبارزه طبقاتی، روز بروز ماهیت ارتجاعی رژیم را بیشتر برای توده ها آشکار میسازد. دشمنی بی حساب رژیم سرمایه داری حاکم با طبقه کارگر، امروز برای کارگران آگاه ایران از سابق بسیار رو شتر است. اعتصابهای کارگری ماههای اخیر که حواستهای سیاسی نیز در برخی از آنها برجستگی ویژه ای داشته و اعتراض به اعدام رفقای کارگر یا دستگیری یا اخراج آنان، نفتی خاصی در اعتصاب بازی کرده است نشان میدهد که این بار، دیگر طبقه کارگر با هشیاری و آگاهی ای فراتر از گذشته وارد کارزار خواهد شد. فروپرسی تو هفات ابتدای کارگران نسبت به رژیم و تخم خمینی، نسبت به ادعاهای ماضی طرح طرفداری از کارگران کسمه رژیم دائما تکرار میکند، تنفر از پاسداران و کمیته ها، تنفر و تحقیر نسبت به هر آنچه که وابسته به رژیم و خدمت آنست، تنفر از رویونیستهای "توده ای" و "اکثریتی" که در دشمنی با کارگران و زحمتکشان تا انجام هر خیانتی پیش رفته اند، عدم اعتماد نسبت به لیبرالکها که منت شان بیشتر توده ها باز نموده، درک بی نتیجه بودن و نادرستی مسی آثار فاشیستی و ترور که از سوی آنها جاهدین در پیش گرفته شده، ... اینها همه

حکومت در این زمینه نقش و این سرمایه‌گذاران خود انعکاس شرایط اقتصادی
بیاض است که نهاد کار و سرمایه و نهضت طبقه کارگر را هر چه بارزتر از پیش به نمایش می‌گذارد.

کارگران و توده‌های زحمتکش که رژیم آمانرا در منگنه اقتصادی و سیاسی قرار داده است تا آنها را بیشتر
استثمار کند و از آگاهی سیاسی دور دارد و آنها را بعموم کور کند تا مگر توپ بورژوازی به میدان چند ارتجاعی
بفرستد و یا بعنوان سباهی لشکر به تکبیر کوی وادارد، بر خلاف میل واراده و اقتضای رژیم روز بروز سبب
به درک مسائل سیاسی حساستر و علاقمندتر میشود. میزان سفر عمومی از رژیم حاکم روز افزون است. رژیم
با کمک و تشنه ساواکهای گذشته و رهنمود روزیو بیستهای حاضر " توده‌ای" و " اثرینی" است که به پیگرد
کمونیستها و انقلابیون میبرد از دهه با " ساواک" با اصطلاح ۲۶ میلیونیشان رژیم با استفاده از ضعف‌ها
و انحرافات سازمانهای کمونیستی و انقلابی است که در ماههای اخیر ضرباتی دردناک بر پیشانی آنها وارد
آورده است. روند مبارزه و جدت گیری تضاد های طبقاتی علاوه بر تشدید تضاد بین توده های زحمتکش از
یک طرف و رژیم از طرف دیگر، موجب تشدید تضاد در صفوف بالای هیات حاکمه نیز گردید و اختلاف بین لایسه
های متعدد بورژوازی بر سر چگونگی استثمار بیشتر زحمتکشان و سرکوب آنان را دامن زد. اما مشاهده و لمس
این اختلافات ارتجاعی به سوده ها کمک کرد تا چهره سرمایه داران را بهتر بشناسند. دستاورد های عظیم
مبارزه طبقاتی طی چند سال پس از قیام و ارتقا پراتیک متنوع این مبارزه به سطح شعوری، خود کشفینه ایست
که استفاده از آن، در جهت پیروزی انقلاب کارگران و زحمتکشان ضروری است.

طی سالهای اخیر، توده ها از جمله حقایق زیر را تجربه کردند:

— هر چه اداران سرمایه داری دولتی در از همال آغاز قدرت گیری زیر پوشش انقلابیگری دروغین و لغاضی
غای نامصطلاح فد امیریالیستی و سوا استفاده و قبحانه از احساسات به هیی مردم توانسته بودند اعتماد
توده های ناآگاه را بسوزی خود جلب کنند، طی روند مبارزه و در مدتی کوتاه، پرده از چهره کریه نسیستان
مروانند و ماهیت ارتجاعی آنان در سرکوب و حسیانه انقلاب و در سینههای مغرت نارشان خود را نشان داد.
چینی — این اقدام تاریخی و دارواین خائش و جلاد کبیر تاریخ بشری که میگویند جورا — ماورای دنیقستبات
شمان دهنه و مافوق گروهها و دستنه های سیاسی بنمایاند (ولیبرالها نیز همین نکته را، خائسانه، با طرح
" شمولیت رهبری امام" تبلیغ میکردند) با روش شدن نقش برجسته او در باند سرمایه داری دولتی حاکم و
ساختار سرمایه داری که تا مرفی در شون صدها هزار از جوانان میهن ما فرورفته است، ماهیت و نقش ارتجاعی خود
را عیان ساخت.

— ایچرالها که در زمان جنبش توده ای برآمد پیدا میکرد، برای سوار شدن بر موج، از صندوق
شان بستان بزمی حاکم و حیانت طبقاتی خود در ابد جنبش انقلابی و دشمنی خویش با کارگران و زحمتکشان
نشان دادند. نشان دادند هر چه بیسر و سوا استند، مجاهدین نیز در مقابل جنبشگری خویش و بد بسران
نشان دادند. این نشان دادند که هر چه بیسر و سوا استند، مجاهدین نیز در مقابل جنبشگری خویش و بد بسران

- رویزیونیستها، این "اسپهای تروا"ی بورژوازی که برای تسخیر در انقلاب به لباس مارکسیسم درآمده اند در چهره های گوناگون از "توده ای" و "اکثریتی" گرفته تا گرایش های انحرافی درون سازمان های مبارز سالهای اخیر، خود را معرفی کردند. آنها به طبقه خود یعنی سرمایه داری، بیشترین خدمت ها و چاکری ها کردند و به جنبش کارگری و کمونیستی خنجرها از پشت زدند.

و سرانجام این طبقه بورژوازی بود که "چهره رژیم جمهوری اسلامی"، در چهره لیبرالها، در چهره آلترناتیو های ضد انقلابی و در چهره رویزیونیسم و اپوزیونیسم نشان داد که جز به شکست کشاندن انقلاب جز سرکوب انقلاب، جز به فلاکت کشاندن کارگران و زمینکنان و جز خدمت به امپریالیسم و سو سیال امپریالیسم هدف دیگری را تعقیب نمیکنند. این واقعیت یکبار دیگر خود نمایی کرد که در دوران ما اگر رهبری انقلاب بدست پروتاربا نباشد، آن انقلاب پیروز نخواهد گشت.

دفعاً! نیروهای کمونیست! نیروهای انقلابی و دمکرات!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، که بخش مهمی از رادیکالترین نیروهای کمونیست و انقلابی مبین ما حوال آر متشکل شدند نیز - همانند دیگر شکل های مبارز جنبش کمونیستی - از نفوذ ایدئولوژی بورژوازی لطافت فراوان متحمل گشت. سازمان ما که با مرز بندی با رویزیونیسم و اتخاذ موضع انقلابی علیه سو سیال امپریالیسم، با اعلام انکاه خود به ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم بعنوان تنها ایدئولوژی بیجان بخش طبقه کارگر، با مبارزه بی امان علیه رژیم جمهوری اسلامی و افشای ماهیت بورژوازی و ارتجاعی آن، افشای ماهیت ارتجاعی جنبه ایران و عراق و ... و افشای ماهیت لیبرالها و منی لیبرال - آنتارشیستی و ضد انقلابی مجاهدین، تا اثر چشم گیری در روند مبارزه طبقاتی مبین ما برجای گذاشته است در معرض خدمت بورژوازی از بیرون وارد درون قرار گرفت. پیکار در نظر رژیم در مقدمه نیروهایی قرار ارد که باید هر چه بیشتر و سریعتر آنرا سرکوب کرد. پیکار بیشتر از هر نیروی دیگر در معرض حمله رویزیونیستهای رنکارانه قرار دارد و حرب خائن "توده" و "اکثریت" از هیچ خیانتی علیه آن خود داری نگردانند و بسیاری از رفقای ما از طریق همینها به جوخه های اعدام سپرده شده اند.

بورژوازی با این اعتقاد که ریشه رادیکالیسم پیکار را که از وفاداری به مارکسیسم لنینیسم مایه میگیرد باید خشک کند، ب فکر تسخیر در سازمان ما از درون، افتاد. او گرایش ها و تحولات راست را شناخت و بطور مستقیم و غیر مستقیم زمینه برآمد را برای آنان فراهم ساخت. گرایش های اپوزیونیستی و آنتی طبقاتی و عدم مرز بندی دقیق با انحرافات، کانال نفوذ بورژوازی در سازمان بود. تلوار این انحرافات در بیابانهای مملکت گشت که در پیکار ۱۱۰ (نیو خرداد ۱۶۰) منتشر شد. این بیانیه با برخوردی رویزیونیستی و رفویستی در دعوی دو جناح از بورژوازی - لیبرالها و حزب جمهوری - جانب لیبرالها را گرفت، عضوید حزب را بجای حمله به کل رژیم و رژیم را بجای انقباض گذاشت، و گویند سازمان ما باید در ارتداد مارکسیسم

سفر و خدمت کومنیستهای واقعی در درون سازمان به دفاع از انقلاب پرداختند و تعرض را آغاز کردند اما این مبارزه همواره سرانجام نرسیده بود که ضربات تیرماه و موج دستگیریه‌ها و اعدام‌ها از یکسو و حملات اپورتونیسیم راست در عرصه ایدئولوژی و تشکیلات و حملات اپورتونیسیم "چپ" از سوی دیگر، به بحران درون سازمان دامن زد. عملکرد این انحرافات مانع از آن گشت که مبارزه ایدئولوژیک بتواند روند منطقی و مارکسیستی خود را در سازمان به پیش برد.

اما کومنیستهای واقعی در سازمان که همین آرمانهای اکثریت بوده‌های سازمانی هستند با جمع‌بندی و درس‌گیری از این مبارزه، هرچه پر شورتر و پویاتر به مبارزه ادامه خواهند داد. این نیرو که در نبرد با اپورتونیسیم آبدیده شده است خود را از آلودگیهای غیر پرولتری میزداید و شاداب و سرفراز برچشم سرخ خویش را در عرصه نبرد طبقاتی به اهتزاز در می‌آورد. سازمان ما هرچند با ازدست دادن جمیع کثیری از پیکارگران حطاسه آفرین خویش که قهرمانانه در زیر شکنجه‌های درخیمان جمهوری اسلامی مقاومت کرده‌اند، لطمات فراوان متحمل شده است، هرچند با خیانت‌تنبند از رفیقان نیمه راه مانند حسین روحانی که خود را به بورژوازی فروختند و خون رفقای شهید و تاریخچه‌ای از جنبش کومنیستی و انقلابی میهن ما را لجن مال کردند و بیرون شده است، اما با تحلیل علمی این فراز و نشیبهای مبارزه طبقاتی میتوانست آنها را چون درسی آموزنده بکار گیرد. اگر کومنیستها هشیاری انقلابی خویش را همواره حفظ کنند، اگر مبارزه علیه بورژوازی در درون و بیرون، قاطعانه ادامه یابد، چنین پیشنهادها که از پیمپیدگی طبقاتی ناشی میشود، در روند کار سازمان یا حزب رزمنده تأثیر قابل ملاحظه‌ای نخواهد گذاشت. رونق عام در مبارزه کومنیستها و در سازمان ما علیه رژیم شاه خائن و نیز علیه رژیم ارتجاعی حاکم، مقاومت و حطاسه بوده است. اگر در بین صدها شهید و هزاران رفیق که به زندان افتاده‌اند چند عنصر خود فروخته کسه کوله باری از انحرافات بورژوازی را با خود حمل می‌کرده‌اند پیدا شوند گردی بر دامن پر عظمت طبقه کارگر و کومنیستها و پیکارگران ما نخواهد نشانید.

توده‌ها مبارزه میکنند، کسانی در موضع مسئولیت و رهبری آنها قرار میگیرند، برخی از این افراد ممکن است به خیانت در غلظت و به انقلاب و توده‌ها پشت کنند، اما این موجب آن نمیشود که توده‌ها دست از مبارزه بردارند. خیانت نمودن فروختگان روی کسانی که تحلیل علمی از علل واقعی سبک خیانت ندارند تأثیری موقت میگذارد اما توده‌های آگاه و نیروهای مبارز با چشمی و اندیشه‌ای بارتر بسند مبارزه سپردارند و چنان میروند و دروازه پیروزی را می‌بندند. حیانت روحانی نمی‌تواند چهره جمیع کومنیستی و چهره پیکار و رفقای رزمنده و شهید و مقاوم ما را خدشه دار کند. خیانت روحانی به تنها خون رفقهای شهید ما و کومنیستها و انقلابیون ایران را کمرنگ نخواهد کرد بلکه آنرا بسیار درخشانتر و پررنگ‌تر نمایان خواهد ساخت. همچنانکه خیانت مائینوسکی و جاسوسی او هرگز نتوانست گردی بر چهره تاناکا حسرت بخشیده را بپوشاند.

حیات مردانی چون حسین روحانی ممکن است بهانه‌ای بدست بورژوازی نهد تا تلاش خویش برای لجن مال کردن پیکار را دوچندان کند. بورژوازی در چهره‌های کوناگون و قبیح اش اراد یکانیسم پیکار، از مبارزه کمونیستی پیکار میترسید و میترسد اینست که میکوشد آنرا لجن مال سازد. رژیم، توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها و دیگر نیروهای ضدانقلابی هر یک بنوعی به پیکار حمله میبرند. جالب و حتی مضحک است که کسانی که خود حداقل دو سه سال پیش از حسین روحانی خائن به "فداامریالیستی بودن" رژیم جمهوری اسلامی رسیده و پیکار را از "چپ‌روی" برحذر می‌دانستند امروز "حقانیت" کمشده خویش را در خیاست روحانی میابند. و میکوشند خیاستهای بی حساب خود به انقلاب را سرپوش بگذارند.

روحانی خیانت کرد زیرا فقدان مبارزه ایدئولوژیک سالم در درون تشکیلات موجب رشد گرایش‌های بورژوازی در او شده بود. او بویژه پس از تأیید بیانیه رفرمیستی و ریزو نیستی پیکار ۱۱۰ دچار اُست چشمگیری شده و عمیقاً به پاسیفیسم در غلغله بود. اپورتونیسم آتشی طلبانه و موضعی متزلزل او در قبال مسائل سازمان، او را از هرگونه پایگاهی - حتی یکفر- در سراسر تشکیلات محروم ساخته بود. او در چنین شرایطی بدست رژیم افتاد و جوزندان، زمینه‌ای را بوجود آورد تا او مسیر انحراف رویونیستی خود را تکمیل کند و به یک خائن تبدیل گردد.

واقعیت اینست که :

در روند پرتلاطم مبارزه طبقاتی که چون سیل خروشان، جامعه انسانی را در سطح جامعه‌سازا در می‌نوردد. مرجند بطور غالب و با اکثریتی پیشگیر با مقاومت‌ها و حواسه‌های فخرمانانه کمربستها و انقلابیون رویرو هستیم اما در مواردی معدود هم با ضعف و اودادگی، شکست و هزیمت طلبی، خیانت، و پشت کردن به انقلاب مواجهیم. این دیالکتیک تاریخ است. آندک با بیعتی علمی و طبقاتی به میسار ره طبقات درون جامعه میگرد، هرگز ذهنیات خود را بجای عینیات نمی‌نشانند، هرگز آرمانخواهی خود را با ایدئالیسم اشتباه نمیکنند. نمی‌تستنها که با شناخت علمی جهان و ملاحظ شدن به ایدئولوژی طبقه کارگر، نمر همت به تغییر جهان میبندند، هرگز سمبندارند که در این راه دست‌ار اما پیروزند، کسی در مباه راه از رفتن باز نمی‌ماند، هرگز نمی‌پندارند که همگان ناب و فاداری پیکرانه بد آرمان‌های پرولتاریا را دارند. هرگز نمی‌پندارند که بورژوازی از اندیشه تسخیر دز پرولتاریا از درون سرسظر میشد. نمی‌تستنها با تصام وجود درک میکنند که اگر با کرایصات بورژوازی در حزب یا سازمان، ل بد رستی مبارزه نشود، اگر بنا اپورتونیسم بر خورد سازشکارانه و آتشی طلبانه صورت گیرد، پس از چندین اپورتونیسم چون خسوره سرپای تشکیلات را در معرض نابودی قرار خواهد داد و عدد چرخیی خود را با غنوس آراد شده‌ای بسد نمایش خواهد کرد.

درسی که از ضعف‌ها و حیات‌ها باید گرفت چیزی جز کشف علید بورژوازی و بجز فاطحت کمونیستی و انقلابی جهت مبارزه ایدئولوژیک در درون و مبارزه علید بورژوازی در خیره‌ها در چهره‌های گوناگونند.

پیام سه خانواد همدان و همسران اسم

به همزمان و در زندان کمونیسم که با توان انقلابی خود وارد و خلیل ناپذیر، در روز میوزی سوسیالیسم میوزند، به مادران و خانواد همدان شهدای سازمان به کار در راه آزاد ی طبقه کارگر که از آرمان همزمان شهید خود و به کار در راه آزاد ی طبقه کارگر دفاع میکنند و راه عزیزان خویش را در میان وظیفه رژیم خویشوار و ارتجاعی جمهوری اسلامی و برای واژگونی سرمایه داری حاکم ادامه میدهند.

رفقا، همزمان عزیزان اسم!

نبرد سخت و خونینی بین کارگران و زحمتکشان از یک طرف و رژیم سرمایه داری و حاکمان جمهوری اسلامی از طرف دیگر در جریان است و ضد انقلاب حاکم با همه کینه و طبقاتی خود از انقلاب انتقام میگیرد. انقلاب کارگران و زحمتکشان و خلقهای مستبد به ایران که در برآمد عظیم خود در سال ۵۲ موجودیت طبقاتی ارتجاعی حاکم را به زیر سوال برد و در رازگان آن زلزله ای مرگبار ایجاد کرد بود، توانست ضربات سختی بر پیکار ارتجاع وارد آورد و با قیام مسلحانه و شکر همدان ۲۲ بهمن، صفحه درخشان را در تاریخ مینامکسود، برآمد انقلابی طبقه کارگر و توده های زحمتکش توانست ارتجاع را برای مدتی به عقب بپوشاند و به دست آورد های مهمی برسد. اما بورژوازی از ضعفها و انحرافات عقب ماندگیهای که در جنبش طبقه کارگر در مصداق انقلاب وجود داشت خود را مجدداً بر کرسی نشاند.

رژیم سرمایه داری با فریبکاری طبقاتی خود، بتدریج سنگرها را گشاده دست داده بود بان س گرفتند و از فردای قیام، خلع سلاح نمود و محدود کردن آزاد یها و سرکوب نیروهای رزید را آغاز کرد. ضد انقلاب از هر چه با انقلاب نسبتی داشت، انتقام گرفت. دستگیری و کشتار کمونیستها و انقلابیون روز بروز بیشتر و عمیق تر شد. رژیم با استفاده از تمام انقلاب بر اینکه قدرت نهفته بود بنام انقلاب به سرکوب و نابودی انقلاب منضمول شد. در ابتدا جناحهای مختلف بورژوازی از لیبرالها گرفته تا حزبها و روینویستهای تسون فای و غیره دست در دست یکدیگر به توطئه و فریب و سرکوب برداشتند و حاصل اینهمه، سلبهای خون کارگران و زحمتکشان و کمونیستها و انقلابیونی است که در گذشته و کنار این سرزمین جاری است. هلیفرم همه سرکوبها و انقلاب همچنان ادامه دارد. با وجود اینهمه ضربات که بر پیکار جنبش کمونیستی و انقلابی وارد آمد، چشم انداز برآمد و زید انقلاب همچنان وجود دارد. همین چشم انداز انقلابی است که کار را به استخوان رژیم رساند و آزاد یوانه و آن سه کشتارهای کم نظیر و دستگیریهایی که سابقه در طول تاریخ و امیدارد. حاکمیت پلان از ارتجاع و باز کردن راه برای امریالیستهای جهان و تنها با سرکوب انقلاب امکانپذیر است و این هوایی است که رژیم در پی تعبیر و تحقق آنست. سرمایه داری برای تثبیت قدرت استوار گزانه و چشم نمس وجود از راههای مختلف وارد میشود. یکی سرکوب عمیق که آزاد یها را از مناطق کردستان و بلوچستان و ترکمن صحرا و کبیل صد ها هزار نفر از زحمتکشان به جیبهای جنگ ارتجاعی و نیز دواعدهای دست جمعی چند یس، هزار نفر از بهترین فرزندان انقلابی و کمونیست و شکر همدان و زید ان رهروان راه آزاد ی طبقه کارگر شاهدم و دیگری فریب و شیادی و صد ها حیل و ترفند سیاسی و تبلیغاتی و کوشش برای "رفس" که برای جالب بود. همدان ناگاه بسوی خود صورت میدهد و با آخره از طریق استفاده از گرایشات و جریانهای بورژوازی در زمانهای انقلابی و کمونیستی و اصطلاح تسخیر دژ بود همدان و این جریانها انحرافی با برآمد خود در ضد مست

اهداف بورژوازی قرار میگیرند.

آنچه در اینجا مورد نظر من است، همین سومی است که تاکنون ضربات در ناکی بر روی کارگران و نوپسای جنبش کمونیستی ما وارد آورد. ما وارد آورد. روینویسم بدترین و خطرناکترین دشمنان جنبش کمونیستی است. که در زمانه گذشته سازمانهای رزید و در راه و همدان با بقدر کارگر و زحمتکش از آزاد یها

منسلاش کند. و آنها را از محسوس انقلابیان خالی کرد. و در خد مت سرمایه داری را آورد. روزی و نویسم
و خیانت بنا انقلاب و ما رکیسم که تجسم آن در میهن ما در حزب خائن نبود. و فدائیان اکثریت میتوانند بسند
در اشکال دیگر نیز خود نمائی کرد و نگذاشت که سازمانهای مدعی مارکسیسم که هرکدام بسیار را از عناصر رزمنده
و مبارزانهای اخیر را در رده خود جمع کرد. و راه انقلاب و تحقق آرمان کارگران و رزمنگان را بیما یند.
هرکدام از این سازمانها بر اساس قدرتی که روزی و نویسم در رده آنها داشت بر سر یکی از تئوریهای سیاسی
که بعد از پیام پیش آمد بعد از هولناکی خیانت بطبقه کارگر و انقلاب لغزیدند و سقوط کردند. بخش
سهمی از سازمان چریکهای فدائی خلق بر سر اشغال سفارت. بخش از سازمان رزمندهگان بر سر موضوع دیگری در قبال
جنگها و تجاری ایران و عراق. در این صورتها متادند و بقیه نیز کم و بیش با آلودگیهای خطرناک همراه شدند.
سازمان کمونیستی ما که در مجموع از همه آنها تند بیچها تا حد و زیادی به سلامت جسته و بر مواضع مارکسیستی
لنینیستی خود بطور نسبی ثابت قدم ماند. و در سر تند بیچ دیگر بر لب پر تگاه انحراق قرار گرفت و آن زمانی بود
که در دیگر سازمانهای مدعی انقلاب و مارکسیسم نیز انحرافات بوزواری برآمد کرد. و مشخصاً در رابطه با
قدرت سیاسی حاکم آنها از یک جناح بوزواری به رهبری بنی صدر لیبیرال و خائنین پنهان میگردند.
در حالیکه یک بخش از بوزواری حاکم یعنی جناح خمینی حزب جمهوری اسلامی میخواست جناح دیگر
بوزواری یعنی لیبیرالها و بنی صدر را از حکومت و قدرت سیاسی بیرون کند. در سازمان ماجریان بوزواری با تکیه
بر انحرافات پیشین سر بلند کرد و با استفاده از ضعفها و انحرافاتیکه در سازمان وجود داشت و با آن بطور جدی و
اصولی مبارزاتی قاطع صورت نگرفته بود. و کوشید سازمان کمونیستی و انقلابی ما را به حمایت لیبیرالها بکنند.
این جریان در واقع همان چیزی را مطرح میکرد که جبهه بین دشمنان خلق و از حزب انحصار طلب حاکم مطرح میکرد
ند. آنها سازمان ما را که به سرنگونی رژیم سرمایه داری حاکم و برقراری جمهوری خلق، برافشا و طرد و از تجاریستی
بودن لیبیرالها بر ضرورت رهبری طبقه کارگر در انقلاب و مکرراتیک، بر ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی و دیگر
برندهای مارکسیستی - لنینیستی و نیز وجود تدابیر انقلاب بد روشهای فاشیست بود. و در نتیجه رژیم
(اصلاح طلبی) روزی و نویسم نزد یک نمودند. آنها با انتشار بیانیه یکدیگر را شماره ۱۱۰ منتشر شد بزرگترین
لطمه را به سازمان ما زدند و زمینه را برای ضربات تیرماه و دادگی و با سیفیم پس از آن که خود منحصراً بیست
و هراکتگی سازمان کرد بد فراهم نمودند. این اقدام بوزواریستی با خشم و تعرض کادرها و اعضا و توده های انقلاب
بسیار سازمان مواجه شد و سردمداران این جریان ناگزیر موقتاً عقب نشستند و منتظر فرصت شدند تا بار دیگر
جریان انحلال طلبانه خود را بر سازمان حاکم کنند و زمینه را برای جریان انحراقی دیگر گشودند که آن نیز بنوعی خود
ضربتی سخت بر دیگر سازمان ما وارد آورد و کمک دیگری به رژیم ارتجایی حاکم کم بیضرا نهاد. انتشار نامه بودی و انقلاب
و سازمانهای آن منجمله سازمان ما بود. نمودند. این جریان بوزواریستی در ۱۱۰ بجزریان بوزواریستی
با سطحی انحلال طلبانه داد جریان در ۱۱۰ دستبندی و فراکسیونیم را که با توجه به معیارهای لنینیستی - خود
ارتداد از مارکسیسم - لنینیسم است. در سازمان ما مطرح و اجرا نمودند. آنها حقیرانه خواستار شرکت در رهبری
و هدایت جریان در کمیته مرکزی سازمان بودند. برای خود دستبندی ایجاد کردند و پیشنهاد کردند که با
همان جریان بوزواریستی ۱۱۰ در مرکزیت سازمان شرکت بشوند. آنها در بدترین شرایطی که بر سازمان
و کادرها و اعضا و هواداران سازمان میگذشت و تفرقه و شایعه پراکنی و سرقت امکانات و وسول و غیره را در دستور
کار خود قرار دادند و انحلال و از هم پاشیدگی سازمان را تسریع نمودند. آنها عملاً دست در دست جریان راست
گمراه نبود سازمان بستند و با تیریکاری خود را جناح با اصطلاح انقلابی نامیدن، جمعی از تیریکاریها و هواداران
کمونیست و انقلابی سازمان را فریفتند و با سوءاستفاده از کم تکی و نا رضایتی آنها از جریان راست و بوزواریستی
حاکم بر سازمان و با قطع ارتباط بین آن افراد و دیگر نقاط فراکسیون انحلال طلبانه خود را تکمیل نمودند.

سازمان زمان در مورد این موضوع، اظهار نظر کرده و گفته است: «ما زمان را از جمله مسائلی که
مبارزه طبقاتی بخارج کردن و اشتراک بینکسار را قطع کردند. اگرکامهای ارتباطات و تدارکات و غیره را اجازت دادند
که سازمان باید در رخد مت بازاری، مجددا سازمان و آحاد کمی برای تشکیل کنگره، سوم و غیره بکار گرفته شود. آنها
هر دو اجازت دادند که یک مبارزه سالم و کمونیستی در سازمان برآوردند و هرکدام بنحوی مانع از آن شدند که نمودن مبارزه
سازمانی از آنچه که در سازمان و بر سازمان میگذشت مطلق شوند و در فکر چارچوبی برآیند».

در حالیکه سازمان در زیرضریات این دو جریان، انحرافی قرار داشت و سرگردگی و ماسیفیس آنرا از رون مسلسل
خسوره میخورد، کارها، اعضا و نیروهای سازمان را که بحق از آن زدند، مترین عناصرجنیش انقلابی و کمونیستسی
سالیهای اخیر بودند و در سازمان ما گرد آمد میبودند، بدین پیشش امنیتی لازم و بدین امکانات مالی که در سازمان
به حد و نفوذ وجود داشتند در برابر پورش و حشیا تعارجاج حاکم رهسا نمودند. گرگهای خون آشام بورژوازی برای
تکویا به کردن مغز سازمان ما در آنها خود را تیرکردند و و فوجانه فبه هم سردادند که مافکر نمیکنند و سران و اعضای
بیکار که جسورا مترین برخوردارها را با رژیم جمهوری اسلامی داشتند اینچنین سهل و آسان دستگیر شوند. چنین
بود یکی از ابعاد خیانتی که امروزتونیستهای راست و باصطلاح چپ مرتکب گشتند. در حالیکه بعد از این خیانتها
بسیار از این فراتر رود تاکنون و طبقة کارگر قهرمان لطمهای سخت تحمل کرد و یک سازمان پیدنا زو کمونیست
خود را بطور موقت در ارتباط فعال با خود ندید.

رفقا و همزمان عزیز! ما در این و خانوادهای شهیدای گرفتار ریکار!

علیرغم همه این ضربات که از بیرون و درون متحمل شدیم، سازمان ما و نیروهای نهفته کمونیستی درون آن بیکار
ننشسته، جریان مارکسیستی - لنینیستی درون آن از همان آغاز از آمد هر دو انحراف با آن بمقابله برخاست
چهره هر دو انحراف را به نمودها شناساند. و دست ریح توام گرفت و هرچمی که امروزتونیستهای راست و باصطلاح چپ
کوشیدند بنبرکنند، بدست گرفت.

«بیکار رد و جبهه» را شعار خویش قرار داد و برای بالایش سازمان از هر دو انحراف برجسته فوق رهسر
انحراف دیگر کمر همت بست. این جریان انقلابی و کمونیستی با وجود آنکه خود نیز دارای ضعفهایی بود، توانست
برچم خونین مارکسیستی - لنینیستی سازمان را برافراشته نگاهدارد و با آنرا رتئوریک خود که در زمینهای با هر دو
انحراف فوق تدارک دید میبود، هر دو جریان را افشا سازد. جوهر انقلابی و کمونیستی سازمان تبلور خویش را در این
جریان مجسم کرد. و روز بروز علیرغم ضرباتیکه اخیرا نیز با آنها دست عد مای از رفقا بر بیگرن وارد آمد. خود را قوام هر
چیز بیشتری میبخشد. این جریان سالم و مارکسیستی که بحرانا اخیرا سازمان را به وره مای بیاریا از تجربه مبارزاتی
تبدیل نمود ماست باید به همه رفقا و نیروهای سازمان هر چه بیشتر نشاناساند شود. سازمان باید در و از هرگونه
اوپورتونیسیم و برسر پا بایستد و نقش فعال و کمونیستی خود را با اکثریت ستر ترا رگ داشته رهنه مبارزه طبقاتی باز باید
این جریان که مبراستسی تبلور واد میدهند، را ما زمان رفقای شهیدای کند ردیم و اولین زندگونی در آستانه میدانیهای
تیرباران چنان وضعیتنامه های کمونیستی را بر صفحه تاریخ نگاشتند باید مورد حمایت بید ریح ما قرار گیرد تا بتوانند
آرمانهای و الا رفقای، رزمند ما را چه شهید و جماسیرو چه زندگونی در بیرون زندان به منصر برسانند. خود را هر چه
بیشتر سازمان دهد و هر چه زودتر در پیشاپیش طبقة کارگر قهرمان ایران و دیگر زحمتکشان، مبارزه طبقاتی را
در روز برچم ظفر نمون مارکسیسم - لنینیسم پیش ببرد.

من افتخار میکنم که در این صحنه خونین مبارزه طبقاتی و در این صف آرانی که در حال حاضر در جامعه جریان
دارد، در صف مارکسیسم و در صف انقلاب و در سنگر جریانی که از اپورتونیسیم راست و چپ مانع از این بافته قرار

گروه تمام بود و وجهی به بهر کسی که اراده میدهم سالها تجربه مبارزاتی سرگشتن از نماز و نشیمنها و افتادن
به پیراهن این تجربه را بمن آموخته است که در این سرفصل عظیم مبارزاتی جامعه در صف بیرونیها در صف
جریانی با یستم که صمیمانه با ما رکنیم - لنینیسم وفادار است و برای آزادی طبقه کارگر میزنند .
رفقا ، همزمان ، مادران ، خانواد ، شهیدان !

هر چه خونین ما رکنیم - لنینیسم که عزیزان ما جان خویش را قهرمانانه در راه اعتلا و اهتر از آن گذاشتند
ما را به فعالیت در عمل متحد آنه و مسئولانه فرامیخواند ، تنها در این صورت است که ما با سداد از خون رفیقان
و فرزندان شهیدمان شد ما هم تنها در این راه است که ستاره سرخی که آنها بر آسمان میبنمان نشانند بد بسرای
ابد خواهد درخشید . و صبح پیروزی را نوید خواهد داد .

همزمان ! نقش مادران و خانواد های شهیدان ، نقش است عظیم بگوئیم آنرا با تمام وجود درک و ایفا
کنیم و راهی که عزیزان پیشما ری منجمله فرزندان دلاور ما هر جوان آن بودند با گامهای استوار به پیش رویم
و از جریان مارکسیستی - لنینیستی سازمان که خون پاک جوانان ما در آن میجهد حمایت بید رخ کنیم و با کار
متذکر و بیگیر خود ، تحت خط مشی انقلابی بد و ن انحلال طلبی و باور تونیم به نیازهای جنبش طبقه کارگر
و انقسلاب باسرخ د هییم .

- ! به امید پیروزی راه سرخسلمانان !
- ! پیروزی ساد انقلاب د مکر تیک ایران بهر هبیری طبقه کارگر !
- ! سرگد بهر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی !
- ! انتخاب بر رفقای شهید پیشما ری که تا آخرین نفس به میکا طبقه کارگر
- ! وفادار ماندند !
- ! زنند به ساد سوسسبالبسیم !

پسوران بزرگان

۶۰ / ۱۲ / ۱۶

عضو سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر